



An Analysis of Identity-Building Components for Women in the Quranic Thought of Imam Khamenei (May His Life Be Prolonged) *

Seyyeda Fatemeh Masoumeh Jalali ¹ and Seyyed Hossein Shafi'i Darabi ² and Farzaneh

Sobhani ³



Abstract

The issue of identity-building components for women is one of the fundamental issues in the field of "women from the perspective of the Holy Quran." This position has led to the identification and analysis of these "components" being on the agenda of Muslim scholars for a long time. This article, which was developed using a descriptive-analytical method and utilizing library data and the perspectives of some scholars in the fields of "Quran" and "women," seeks to answer the question: What are the identity-building components for women according to the ideological perspective of Imam Khamenei (May His Life Be Prolonged)? The most important result derived from the research conducted in this paper is that from the viewpoint of His Eminence (May His Life Be Prolonged), matters such as having a positive view of the high moral status of women in the existential system, believing in women's diverse God-given abilities, the belief in the equality of women and men in the realm of faith and righteous deeds, the belief in the extraordinary role of women in the emotional sphere of life, and so on, are considered as some of the most important identity-building components for women.

Keywords: Women's Identity, Identity-Building for Women, Identity Components, Quranic Ideologies, Imam Khamenei.

*. **Date of Receiving:** 14/12/2023, **Date of Approving:** 07/03/2024.

1. M.A, Al-Zahra Seminary and Congress of Quranic Thoughts of the Esteemed Leader, Ayatollah Khamenei: F.Talebpour99@sndu.ac.ir.

2. Lecturer at higher levels of Qom Seminary, doctorate in exegesis and Quranic sciences, faculty and assistant professor of Al-Mustafa Al-Alamiya University, director of the Department of Exegesis and Qur'anic Sciences of Al-Zahra University: syedhosein_shafieidarabi@miu.ac.ir.

3. Fourth level student of comparative interpretation, researcher and lecturer at Zahra University, m.f_sobhani@yahoo.com.



مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای *

سیده فاطمه معصومه جلالی^۱ و سیدحسین شفیعی‌دارابی^۲ و فرزانه سبحانی^۳



چکیده

مسئله مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن، یکی از مسائل بنیادین در حوزه «زن از نگاه قرآن کریم» است. همین جایگاه، موجب شده است تا از دیرباز، شناسائی و تحلیل این «مؤلفه‌ها» در دستورکار دانشوران مسلمان قرار گیرد. این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با بهره‌وری از نقطه‌نظرهای برخی از کاشناسان در دو حوزه «قرآن» و «زن» تدوین یافت، در پی پاسخ به این پرسش است: براساس اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن چیست؟ مهم‌ترین نتیجه برآمده از انجام تحقیق پیش‌روی این است: از منظر معظم له، اموری همچون: داشتن نگاه مثبت به جایگاه ارزشی والای زن در نظام هستی، باور به برخورداری زن از توانمندی‌های متنوع خدادادی، اعتقاد به هم‌ترازی زن و مرد در عرصه ایمان و عمل صالح، عقیده به فوق‌العاده بودن نقش عاطفی زن در عرصه زندگی و...؛ بخشی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: هویت زن، هویت‌بخشی به زن، مؤلفه‌های هویت، اندیشه‌های قرآنی، امام خامنه‌ای.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷.

۱. دانش‌آموخته سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، پژوهشگر و مبلغه جامعه الزهرا س (نویسنده مسئول): yaahosin1378@gmail.com.

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت‌علمی و استادیار جامعه المصطفی ص العالمية، مدیر گروه تفسیر و علوم

قرآنی جامعه الزهرا س، syedhosein_shafieidarabi@miu.ac.ir.

۳. دانش‌آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی، پژوهشگر و مدرس جامعه الزهراء س، m.f_sobhani@yahoo.com.



۱. مقدمه

از دیدگاه قرآن کریم، زن و مرد، دارای هویتی یکسان بوده، به یک‌میزان از موهبت‌های الهی برخوردارند. این برترین کتاب آسمانی، در نگاه حکیمانه خود، نه زن را از مقام انسانی تنزل داده، نه تفاوت‌های بیولوژیک و حکمت آفرینش او را نادیده گرفته است (نک: یونسی، بررسی تطبیقی تفاوت‌های طبیعی زن و مرد از دیدگاه قرآن و پژوهش‌های علمی، ۱۴۰۰؛ حسینی اکبرنژاد و شوشتری، زن در قرآن، ۱۳۹۷ش). از نظر تاریخی نیز، روشن است که زن قبل از اسلام در محرومیتی فراوان قرار داشته است؛ اما اسلام با ندای آسمانی خود، تحول بزرگی در نگاه به زن ایجاد کرد، اولاً: از نظر شخصیتی، زن را برابر مرد قرار داد و ایمان و عقاید و افکار او را محترم شمرد. ثانیاً: حقوق اجتماعی زیادی که قبل از اسلام از زن سلب شده بود را برای او قرار داد؛ البته اگر هم در برخی موارد، بین او و مرد تفاوت گذاشته، به جهت اقتضائات روحی و جسمی زن بوده است و نه حاکی از نگرشی منفی به او، لذا در سایه این آموزه‌ها، زن در میان مسلمانان، موقعیت اجتماعی مناسبی پیدا کرد (نک: فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷).

با تتبع در آثار قرآنی رهبر معظم انقلاب، مشخص شد:

الف. از نگاه معظم له، امور شناختی و غیرشناختی متعددی، در هویت‌بخشی به زن، نقش‌آفرین هستند؛ البته ذکر و بررسی برخی از آنها در خلال این مقاله، معلول دو امر است: ۱. لزوم پای‌بندی به محدودیت حجم صفحات مقاله؛ ۲. بدیهی و اندک‌بودن نمونه اثبات تأثیرگذاری این بخش از مؤلفه‌ها در هویت‌بخشی به زن.

ب. نقطه‌نظرهای رهبر فرزانه در عرصه توجه‌دادن به مؤلفه‌های مؤثر در هویت‌بخشی به زن، بر دیدگاه دیگر فعالان در این حوزه برتری دارد؛ زیرا این نقطه‌نظرها، با لحاظ مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی نهفته در آفرینش الهی زن، بارز شده است.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مقالات متعددی در راستای هویت زن نوشته شده است؛ از جمله:

۱. رویکردهای روشنفکری به مسئله زن در قرآن»، سیدحیدر علوی‌نیا، پژوهش‌های قرآنی، سال

۱۳۸۰، شماره ۲۵؛

۲. «بررسی جایگاه و منزلت زن در قرآن»، عالیه شکریگی؛ ارائه به اولین همایش «ضرورت

گسترش مفاهیم اسلامی»، سال ۱۳۸۴؛

۳. «بررسی هویت زن در نهج البلاغه»، مهدی فاضلی و محسن فرمهینی، نشریه دانشور رفتار، سال ۱۳۸۹، شماره ۴۵؛

۴. «هویت زن در پرتو فلسفه احکام اختصاصی در تورات و قرآن»، زینب اخباری، نشریه معرفت، سال ۱۳۹۹، شماره ۲۶۹.

اما تاکنون به صورت مستقل مسئله مؤلفه‌های هویت بخشی به زن در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، بررسی نشده است؛ از این رو این مقاله درصدد است که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نگاه معظم له در این حوزه بسیار مهم فرهنگی و اجتماعی را در پرتو مباحث پیش روی، بررسی و تحلیل کند.

۳. مفهوم شناسی

در ابتدای بحث لازم است مفهوم و معنای لغوی و اصطلاحی واژه کلیدی «هویت» تبیین شود:

یک. معنای لغوی «هُوِيَّةٌ»

اصل واژه «هُوِيَّةٌ»، واژه عربی است و از کلمه «هُو» به معنای «أُو» (ضمیر غایب) اخذ شده و از این ضمیر لفظ مرکب «هُو، هُو» ساخته شده است که اسم مرکب الف و لام دار است و به معنای اتحاد بالذات یا انطباق بالذات است؛ بنابراین، هویت هر پدیده‌ای بیانگر هیئت و ماهیت وجودی آن ذات است (نک: الطایی، هجران هویت قومی در ایران، ۱۳۹۶ش: ۳۴).

دو. معنای اصطلاحی «هویت»

کاربرد واژه «هُوِيَّةٌ» در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی، ملی، فرهنگی، دینی و... موجب شد تا تعاریف اصطلاحی متنوعی درباره این تعبیر مهم در عرصه فرهنگی مطرح شود. مقصود از آن در این تحقیق (که آراسته به صبغه اجتماعی است)، «مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و مقبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌سازد.» (اقتباس از: جنکینز، هویت اجتماعی، ۱۳۸۱: ۵؛ نیازی، هویت و بحران هویت در دوران نوجوانی، ۱۳۸۹: ۵؛ نجفی، هویت شناسی، ۱۳۹۹: ۲۶). به عبارت دیگر، هویت عبارت است از: آنچه شخص بدان‌ها شناخته می‌شود؛ از قبیل نام خانوادگی، نام پدر و ویژگی‌های دیگر، بدین جهت گفته می‌شود هویت، مشتمل بر صفات جوهری است که دربردارنده حقیقت شیء شخصیت، ذات، هستی و وجود اوست (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۱: ذیل واژه



هویت؛ معین، فرهنگ معین، ۱۳۵۱: ذیل واژه هویت؛ عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۷۵: ذیل واژه هویت).
در بیان رهبر معظم انقلاب نیز، از اموری همانند: شخصیت، عادات، آداب و سنت‌ها، به‌عنوان
«هویت» شخص یاد شده است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴،
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۱۶۵۵>).

۴. نمودهایی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن در اندیشه قرآنی رهبر انقلاب

با جستجو در آثار گفتاری و نوشتاری رهبر معظم انقلاب (که آراسته به آموزه‌های قرآنی هستند)
به‌وضوح می‌یابیم که از منظر معظم له، مؤلفه‌های مؤثر بسیاری در هویت‌بخشی زن وجود دارد که
مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

یک. توجه‌دادن به جایگاه والای انسانی زن

منابع تاریخی حاکی از آن است که عرب‌ها در عصر جاهلیت هیچ‌گونه استقلال و حرمت و
شرافتی برای زن قائل نبودند (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۹۶: ۲۴۱)، درحالی‌که از نگاه
اسلام، زن مانند مرد از انسانیت برخوردار است؛ زیرا ماده پیدایشی هرکدام، از وجود دو انسان نخستین
(آدم و حوا) محقق شده است و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا و پرهیزکاری در درگاه الهی
(نساء: ۱/ حجرات/ ۱۳).

رهبر معظم انقلاب نیز، با الهام از آموزه‌های نهفته در دل آیات شریفه قرآنی، صراحتاً اعلان نموده
است: «اسلام از همان ابتدا نردبان ترقی برای صعود ملکوتی زن را به همراه داشته است تا آنجا که
بهشت را زیر پای آنان قرار می‌دهد. کرامتی که به زن در اسلام بخشیده شده است، واقعیتی است که
اگر صفحات تاریخ اسلام را از همان ابتدا تا به امروز ورق بزنیم، با نمونه‌ها و واقعیت‌های بی‌شماری از
شخصیت بزرگداشت‌شده زن در اسلام برخورد می‌کنیم. در هر جا خداوند از انسان صحبت می‌کند با
واژه‌هایی چون «ناس»، «بنی آدم» و «انسان» او را مورد خطاب قرار می‌دهد که این اصطلاحات در
قرآن ۳۰۹ بار تکرار شده‌اند، واژه‌های مذکور عام هستند و هیچ‌کدام از آن‌ها به جنسیت خاصی
اشاره‌ای ندارند» (اخترشهر، زن در اندیشه مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹: ۷۶). خداوند متعال معیار
برتری را برای هر دو جنس، در تقوا و پرهیزکاری می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»
(حجرات/ ۱۳)؛ «همانا باکرامت‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست».

صاحب تفسیر المیزان در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مردم از این جهت که مردم‌اند، همه با هم
برابرند، و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست و کسی بر دیگری برتری ندارد و اختلافی که در

خلقت آنان دیده می‌شود که قبیله‌قبیله هستند، تنها به این منظور در بین آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند، تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام بپذیرد و ائتلاف در بینشان تمام گردد، چون اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۸/۴۸۹). پس تقوا تنها کرامت و امتیاز حقیقی نزد خداوند است.

دو. بازگویی نقش سکونت و آرامش بخشی زن

نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی داشته و بااهمیت‌تر از نیاز جنسی است، براساس تعالیم مکتب اسلام یکی از مهم‌ترین و شاید نخستین انگیزه ازدواج به شمار می‌آید. ازدواج در حقیقت، قانونی تشکیل می‌دهد که در آن، زن و مرد احساس آرامش کنند؛ زیرا زنان و مردان آرامش‌دهنده روانی یکدیگرند، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/۲۱)؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»

همسر شایسته در پیشامدهای زندگی، راه وصول به آرامش و سعادت را نزدیک می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹)؛ «و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.» برخی از مفسران، منظور از لباس را کنایه از ستر گرفته‌اند؛ زیرا زوجین نسبت به یکدیگر ستر هستند (رشیدرضا، المنار، ۱۹۹۰: ۱۷۶/۲). همسران یکدیگر را از نظر جنسی ارضا می‌کنند و از این طریق تمایلات جنسی خود را در مسیر صحیح قرار می‌دهند و از رسوایی جنسی و هجوم آفات جنسی، یکدیگر را پاس می‌دارند، همان‌گونه که لباس، انسان را از رسوایی و برهنگی حفظ می‌کند (صادقی تهرانی، الفرقان، ۱۴۰۶: ۵۸/۲)؛ البته برخی از مفسران (طبری، جامع البیان، ۱۴۲۰: ۴۹۱/۳؛ طوسی، ق ۵: ۱۳۳/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۳: ۲۲/۲)، مقصود از لباس در آیه ۱۸۷ سوره بقره را سکون و آرامش دانسته‌اند؛ همان‌گونه که خدا شب را لباس (مایه آرامش و سکون) دانسته است: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» (نبا/۱۰)؛ «شب را برای شما لباس قرار داد.»؛ بنابراین، آیه: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷)؛ «آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آنها.» هر دو زینت یکدیگر هستند و باعث حفظ یکدیگر، نیز به سکون و آرامشی که با همسر حاصل می‌شود، اشاره خواهد داشت (اسدی، نگاهی به اهداف و آثار ازدواج در قرآن، ۱۳۸۸: ۳).

پس خانواده‌گرایی و علاقه به تشکیل خانواده، از امور فطری است و کسانی که به این سنت الهی پشت پا می‌زنند، وجود ناقصی دارند؛ زیرا یک مرحله تکاملی آن‌ها متوقف شده است؛ بدین جهت است که می‌بینیم یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت بخشی به زن از منظر امام خامنه‌ای، این است که زن را مایه سکونت و آرامش می‌دانند.



رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «آن کسانی که کانون خانواده را تحقیر می‌کنند، به جامعه زنان خیانت می‌کنند، آن‌ها کسانی هستند که وانمود می‌کنند، عدالت جنسیتی به این است که در همه میدان‌هایی که مردها وارد می‌شوند، زن‌ها هم باید وارد بشوند. این‌ها به اعتماد زن، حرمت، شخصیت و هویت او خیانت می‌کنند. زن محترم است، مهم‌تر از همه مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش می‌باشد و این خصوصیت زن در اسلام است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اқشار مختلف بانوان، ۱۴/۱۰/۱۴۰۱، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1273#119618>).

صاحب تفسیر تسنیم، گرایش مرد به زن را ناشی از مودّت و رحمت الهی دانسته، معتقد است که این مودت و رحمتِ خدایی غیر از گرایش غریزی نر و ماده است که در حیوانات نیز وجود دارد. به‌علاوه قرآن کریم از گرایش شهوانی و غریزی حیوانات به‌عنوان آیه و نشانه الهی یاد نکرده است؛ در صورتی که گرایش مرد به زن را از آیات الهی معرفی فرموده است (جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ۱۳۷۵: ۳۹).

پس از نظر اسلام، پیوندی بالاتر از شهوت میان زن و مرد در مسئله ازدواج مطرح است که پایه وحدت زوجین را تشکیل می‌دهد و زن را مایه سکونت و آرامش معرفی می‌کند.

سه. تثبیت حضور زنان در عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی

عرصه سیاسی، عرصه‌ای است که در طول تاریخ، همه جوامع برای اثبات توانمندی‌های خود در آن تلاش کرده که مردان در این جوامع، همواره در تغییرات مهم سیاسی تأثیرگذار بوده و نقش خود را به نمایش گذاشته‌اند؛ اما نقش زنان در این عرصه، کمتر به ظهور رسیده است. منابع تاریخی حاکی از آن است که در عصر نبوی، جلوه‌هایی از فعالیت سیاسی زنان دیده می‌شود، از جمله؛ نخست: هجرت (نساء/ ۱۰۰)، در این باره گفتنی است که هجرت در صدر اسلام به دستور پیامبر اکرم ﷺ به دو صورت انجام گرفت (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۲۳۹/۸)؛ و دیگری بیعت (ممتحنه/ ۱۲) که در روز فتح مکه، هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ روی کوه صفا از مردان بیعت گرفت، زنان نیز نزد حضرت آمدند تا بیعت کنند، آیه‌ای نازل شد و چگونگی بیعت را شرح داد. بیعت پیامبر با زنان، این گونه بود که حضرت دست مبارکشان را در ظرف آبی قرار دادند و سپس به زنان فرمودند: برای بیعت کردن دست خود را در آب فرو ببرند. شروطی که در این آیه نام برده شده، از اصول اعتقادی و اخلاقی است که زن و مرد، هر دو باید مراعات کنند (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۵۹۳/۹).

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز با الهام از مفاد جمع چشمگیری از آیات و روایات، به حضور زنان در عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی باور داشته و برای آن اهمیت قائل است و صراحتاً اعلان کرد:

«اسلام در مقابل جاهلیتی که به زن ظلم می‌کرد، ایستادگی کرد؛ هم در میدان معنویت و فکر و ارزش‌های انسانی، هم در میدان حضور سیاسی و از همه بالاتر در عرصه خانواده، پس در هر سه عرصه، اسلام ارزش‌گذاری کرده است. در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی تثبیت شده است، زن‌ها می‌آمدند با پیامبر بیعت می‌کردند و در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت داشتند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۲/۵/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=۱۳۸۲/۵/۱۷&aya=۷&npt=۶۶>).

آیاتی از قرآن کریم به این کلام معظم له اشاره دارند؛ از جمله: خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِيَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأُزْوِجِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعِهِنَّ وَأَسْتَغْفِرُ لهنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه/۱۲)؛ «ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتراپی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

پس این آیه اشاره دارد به اینکه زن، موجودی انتخاب‌گر، بااراده و دارای شخصیت حقیقی و حقوقی مستقل است؛ از این رو اسلام نه تنها از حضور زنان در اجتماع جلوگیری نکرد؛ بلکه با روش‌های خاصی کوشیده تا زمینه‌های لازم را برای حضور مناسب زنان در جامعه فراهم کند.

چهار. نفی نگاه تنقیصی به زنان

با تتبع در آیات و روایات و متون تاریخی معتبر، به این حقیقت دست می‌یابیم که زن در عصر جاهلیت عرب، هیچ ارزش وجودی و اجتماعی نداشته است؛ دو گزارش پیش‌روی، می‌تواند شاهدی بر درستی این مدعا باشد:

۱. تنها زنانی که فرزند پسر به دنیا می‌آوردند، یا زندگی داخلی مردان را به‌خوبی اداره می‌کردند، مورد توجه قرار می‌گرفتند؛ لذا عموم عرب از داشتن فرزند دختر ننگ داشتند، به‌گونه‌ای که وقتی به آن‌ها خبر تولد نوزاد دختر را می‌دادند، به‌شدت خشمگین می‌شدند. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل/۵۸). این آیه به صراحت اعلام می‌دارد: وقتی که به یکی از آن‌ها خبر می‌دادند: همسرش دختر به دنیا آورده، از شدت خشم صورتش سیاه می‌شد.

۲. جلال‌الدین سیوطی (دانشمند معروف اهل سنت در حوزه تفسیر و علوم قرآنی)، در جهت تبیین و تفسیر مفاد آیه: «وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ كُنْ مِيتَةً فَهُمْ



فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام/ ۱۳۹) می‌گوید: «در میان عرب جاهلی رسم بوده که در مواردی وقتی حیوانات، نوزاد زنده «مُذْكَرٌ» به دنیا می‌آوردند، آن را ذبح کرده و تنها مردان از آن می‌خوردند؛ ولی اگر نوزاد مرده به دنیا می‌آمد، زنان را نیز در خوردن آن شریک می‌کردند» (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۱۴۰۴: ۴۸/۳). یکی از کارشناسان قرآنی معاصر در توضیح آیه مذکور چنین نگاشته است: «و از دیگر عقاید خرافی مشرکان این بود که می‌گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت‌ها) است، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید، پس همه (زن و مرد) در آن شریک‌اند، خداوند به‌زودی آنان را به سزای این‌گونه توصیف‌های باطل کیفر خواهد داد. همانا او حکیمی داناست.» (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۲/۵۶۵).

این گزارش‌ها و همانندهای آنها، حاکی از این است که دین اسلام در آن جامعه منحط، زن را به‌عنوان یکی از دو بال انسانیت تلقی کرد و برای وی شخصیتی حقیقی و مستقل را در نظر گرفته است و از آن حالت ذلت و حقارتی که داشت، بیرون آورد. پیامبر اعظم ﷺ، با صدور فرمان حکیمانه «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ۶۸/۶۷؛ نوری‌طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۳۶۷: ۱۷/۲۴۴)، به همگان فهماند که زنان در جامعه اسلامی، همانند مردان می‌توانند تحصیل‌کنند و به مقامات عالی‌ه علمی برسند.

به گفته یکی از کارشناسان در حوزه زنان «بی‌خبری جوامع و قبایل پیشین از مواهب طبیعی و توانمندی‌های فطری زن و نادیده‌گرفتن نقش نیرومند او در پدیداری جامعه سالم انسانی و تربیت فرزند و تحکیم مبانی خانواده که با حکمت و تدبیر پدید آورنده هستی در عرصه وجودی او به ودیعت نهاده شده، او را در طول تاریخ، در تنگنای داوری‌های ناسالم و ستم‌بار قرار داده است. این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که در جاهلیت پیش از اسلام مواهب حقوقی و ارزش‌های انسانی زن پامال شده بود و جایگاه (زن) در فرهنگ عرب جاهلی در پایین‌ترین موقعیت و مرتبه بود، تنزل مقام زن و قرارگرفتن او در فهرست دارایی‌ها و (مایملک) مرد، سراسر زندگی زنان را تحت تأثیر قرار داده بود (مبلغ، بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان؛ اسلام و فمینیسم، ۱۳۸۰: ۲).

با تأمل در مطالب ذکر شده، به این نتیجه دست می‌یابیم که یکی از مهم‌ترین شناسه‌های عصر جاهلیت اولی، نادیده‌گرفتن حقوق زن و ظلم به او در شئون مختلف حیات بشری است. رهبر معظم انقلاب، در مقام توجه‌دادن به این کارکرد منفی عصر جاهلی، فرموده است: «خصوصیت جاهلیت، نظام ظالمانه بود. ستمگری، عرف رایج بود. این‌طور نبود که گاهی یک نفر ظلم کند. بنای نظام جامعه بر ظلم و تبعیض و زورگویی قوی به ضعیف بود، زورگویی مرد به زن بود.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۱/۱۰/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۴۸۸۸۳>).

به گفته شهید مطهری، نهضت اسلامی زن با نهضتی که در مغرب زمین روی داد، از دو نظر تفاوت بنیادی دارد: اول در ناحیه روان‌شناسی زن و مرد است که اسلام اعجاز کرده است. دوم اینکه اسلام، در عین آنکه زنان را به حقوق انسانی‌شان آشنا کرد و به آن‌ها شخصیت و هویت و استقلال داد، هرگز آن‌ها را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۹۶: ۷۶).

پس اسلام از منظر فکر فلسفی و تفسیر خلقت، نگاه تحقیرآمیزی نسبت به زن نداشته است؛ بلکه آن نظریات را مردود می‌داند.

پنج. هم‌ترازی زن و مرد در پاره‌ای از جهات

قرآن کریم احیاکننده حقوق زن و مرد در عرصه‌های گوناگون بوده است (بقره/ ۲۲۳؛ روم/ ۲۱؛ نساء/ ۳۱؛ طلاق/ ۷)، و گام‌های بلندی را در زمینه ایجاد و استحکام حقوق انسانی زن و مرد برداشته است و باتوجه به شرایط طبیعی، فطری و ساختار فیزیکی زن و مرد حقوق مشترکی را برای آن‌ها قرار داده است و از جهت هویت و کمالات انسانی فرقی بین زن و مرد نبوده و از دیدگاه مکتب اسلام ملاک برتری و سعادت به طور مساوی و برابر، تقوا و علم و عمل است (مولاقلقاجی، بررسی تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه قرآن، ۱۳۹۶: ۲).

خوشبختانه رهبر معظم انقلاب، به نگاه قرآنی هم‌ترازی زن و مرد در بسیاری از امور، کاملاً واقف و معتقد بوده و به این نگاه مهم ارزشی قرآن کریم، توجهی دقیق داشته است و بارها به تبیین آن پرداخته است. وی در یکی از دیدارهایش با بانوان کشور فرموده است: «موضوع زن و برخورد جوامع با او، مسئله‌ای است که از دیرباز در میان جوامع و تمدن‌های مختلف مطرح بوده است. همیشه نصف مردم عالم، بانوان هستند. قوام زندگی در عالم، به همان اندازه که به مردان وابسته است، به همان اندازه هم به زنان وابسته است. زنان، بزرگ‌ترین کارهای آفرینش را به طور طبیعی بر عهده‌دارند. کارهای اساسی آفرینش، مانند تولیدمثل و تربیت کودک، در دست زنان است. پس مسئله زنان، مسئله مهمی است و از دیرباز، در بین متفکرین و ملت‌ها وجود داشته است. اسلام یک موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده، از افراط و تفریط جلوگیری نموده و هشدار می‌دهد که همه مردم عالم داده است. اسلام، مردانی را که به خاطر قدرتمندبودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به خدمت می‌گرفتند و زن را مورد آزار و حیانتاً تحقیر قرار می‌دادند، به کلی برجای خود نشاند و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرارداد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرارداد: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ (احزاب/ ۳۳)؛ مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. پس در اسلام همه این مقامات معنوی و



درجات انسانی، بین زن و مرد به صورت یکسان تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هرکس که برای خدا کار کند، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، خداوند متعال او را به حیاتی پاک زنده می‌دارد؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، قرار می‌دهد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقبشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۱۶۵۵>).

این فرمایش رهبر معظم انقلاب، ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، از جمله خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/ ۳۵)؛ «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»

علامه طباطبائی رحمته الله در مقام تفسیر این آیات فرموده است: «شریعت مقدسه اسلام در کرامت و حرمت اشخاص از نظر دین‌داری، فرقی بین زن و مرد نگذاشته است و در آیه مورد بحث با صراحت آن را بیان کرده است، عبارت «الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» اشاره دارد به اینکه، مردان و زنانی هستند که این‌طور تسلیم دین شده باشند که همانا اسلام به معنای تسلیم عملی برای دین است، به اینکه همه تکالیف آن به‌جا آورده شود و آنچه را شارع مقدس نهی نموده است، ترک گردد. در ادامه می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» مردان و زنانی هستند که دین خدا را در دل خود جای داده باشند، به‌طوری‌که وقتی به اعمال آنان نگاه می‌کنی، پیداست که این شخص در دل به خدا ایمان دارد، پس هر مؤمنی مسلمان هست، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. «وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ» کلمه (قنوت) به معنای ملازمت در اطاعت و خضوع است و در نتیجه معنای دو کلمه مورد بحث، مردان و زنانی هستند که متلازم اطاعت خدا و همواره در برابر او خاضع‌اند. «وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ» کلمه (صدق) به معنای هر فعل و قولی است که مطابق با واقع باشد و مرد و زن با ایمان هم در ادعای دین‌داری راستگویند و هم در گفتار راست می‌گویند و هم خلف وعده نمی‌کنند. «وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ» کسانی هستند که هم در هنگام مصیبت و آزمایش، صبر می‌کنند و هم در هنگام اطاعت و هم آنجایی که گناهی پیش آمده، در ترک آن

شکیبایی پیشه می‌کنند. «وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ» کلمه (خشوع)، به معنای خواری و تذلل باطنی و قلبی است، چنان‌که کلمه خضوع، به معنای تذلل ظاهری و با اعضای بدن است. «وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ» کلمه صدقه، به معنای خرج کردن مال در راه خداست که یکی از مصادیق آن زکات واجب است. «وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ» مراد از صوم، روزه‌های واجب و مستحب هر دو است. «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ»، یعنی کسانی که فروج خود را حفظ می‌کنند و آن را در غیر آنچه خدا حلال کرده به کار نمی‌بندند. «وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ» یعنی (والذاکرات الله) که کلمه (الله)، به خاطر اینکه معلوم بوده، حذف شده است؛ یعنی کسانی که ذکر خدا را بسیار می‌کنند، هم با زبان و هم با قلب و این ذکر شامل نماز و حج نیز هست. «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» نکره آمدن مغفرت و اجر، به منظور تعظیم آن است» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴۷۰/۱۶).

بنابراین عوامل کمال و سعادت در مردان و زنان که همانا قدرت شناخت، تفکر، اراده، اختیار و گرایش‌های فطری به سوی خوبی‌هاست، موجود است و برای هر دو گروه نیز موانع مشترک و اختصاصی وجود دارد، موانعی چون شهوت و خشم.

شش. تفاوت نداشتن زن و مرد در تقرب به خداوند

مسئله امکان تقرب به پروردگار و لزوم توجه به آن، موضوعی است که در آیات متعددی از قرآن کریم (قمر/ ۵۴ - ۵۵؛ انشقاق/ ۶؛ ...) و روایات گوناگون بدان توجه داده شده است (آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۳۶۶: ۴۰؛ عاملی، اعیان الشیعه، ۱۴۰۳: ۴۲/۱؛ پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۲۲۹). نکته شایان توجه اینکه جنسیت، نقشی در دست‌یابی به قرب الهی ندارد. بدین جهت می‌گوییم: هم مردان می‌توانند در این عرصه تلاش کنند و هم زنان. کارکردهای زنان در تاریخ گذشته گویای این حقیقت است که برخی از آنان از کوشش در جهت قرب به پروردگار بازماندند و بعضی دیگر به موفقیت در این عرصه دست یافتند. خدای متعال در مقام معرفی این دو طیف از زنان می‌فرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوْحٍ وَامْرَأَتَ لُوْطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ. وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجَنَّبَنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَغَمْلِهِ وَتَجَنَّبَنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ» (تحریم/ ۱۰-۱۲)؛ «خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!» و خداوند برای مؤمنان، به



همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»! و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌فرماید: «این آیات کریمه متضمن دو مثل است، یکی مثلی که خدا به وسیله آن حال کفار را مجسم می‌کند و یکی هم مثلی که بیانگر حال مؤمنان است، مثل اول وضع کفار را در شقاوت و هلاکت روشن کرده، بیان می‌کند که اگر چنین شدند به خاطر خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند و سرانجام خیانت به خدا و رسول همین است، از هرکس که می‌خواهد سر بزند، هر چند از کسی سر بزند که وابسته و متصل به انبیا باشد و مثل دومی بیانگر این حقیقت است که سعادت و رستگاری مؤمنین هم تنها به خاطر ایمان خالصشان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان بوده و اتصال و خویشاوندی که با کفار داشتند، ضرری به حالشان نداشت، پس معلوم می‌شود ملاک کرامت نزد خدا تنها و تنها تقوا است و بس و برای مجسم کردن این معنا نخست حال این طایفه اول را به حال دو تا زن تاریخ مثل می‌زند که هر دو همسر دو پیامبر بزرگوار بودند، دو پیامبری که خدای تعالی عبد صالحشان نامیده - و چه کرامتی بزرگ‌تر از این - و با این حال دو زن، به آن دو بزرگوار خیانت کردند و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ گردند، پس این دو زن همسر و هم‌بستر دو پیامبر بزرگوار بودند؛ اما همسری آنان سودی به حالشان نبخشید و بدون کسب کمترین امتیازی در زمره هالکان به هلاکت رسیدند و طایفه دوم را به دو زن دیگر تاریخ مثل می‌زند، یکی همسر فرعون است که درجه کفر شوهرش بدان جا رسید که در بین مردم معاصر خود (با کمال بی‌شرمی و جنون) فریاد زد: «أَنَا رَبُّكُمْ أَلْأَعْلَى؛ ربّ اعلای شما منم»، اما این همسر به خدا ایمان آورد و ایمانی خالص آورد و خدای تعالی او را نجات داد و داخل بهشتش کرد و قدرت همسری چون فرعون و کفر او نتوانست به ایمان وی خدشه‌ای وارد سازد. دومی مریم دختر عمران است که خدایش به کرامت خود گرامی‌اش داشت و از روح خود در او دمید» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۹/۵۷۵).

سید قطب نیز می‌نویسد: «اگر بزرگداشت و تکریم شریعت الهی (اسلام) نبود، امکان نداشت زن در چنین محیطی، هویت واقعی‌اش را احراز کند. اسلام با روشی شایسته و بایسته کل بشریت را (اعم از زن و مرد) تکریم کرد و جایگاه رفیع بشر را که حامل نفخه‌ای از روح الهی است، ترسیم نمود؛ و این گونه بود که زن، مقام و منزلت خویش را باز یافت. با این نگرش، انسان تولدی دوباره یافت؛ چراکه ارزش‌های آسمانی و ملکوتی جایگزین ارزش‌های مادی و زمینی شد؛ و ملاک ارزش، روح با کرامت انسانی شد که با پروردگار خویش پیوند خورده است. در این جهت زن و مرد تفاوتی ندارند» (قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵: ۶/۳۸۴).

رهبر معظم انقلاب نیز با الهام از مجموعه آیات و روایات وارده در باب تقرب به پروردگار، به تفاوت نداشتن بین زن و مرد در این عرصه مهم معنوی توجهی دقیق داشته، و در این راستا چنین فرموده است: «در زمینه مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. شما ببینید در تقرب به خداوند، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند. رتبه‌شان، رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران می‌گوید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران/۱۹۵). مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یکجا برای کوبیدن همین اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا می‌کشد که یک چنین حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن دیگر پیدا نمی‌کند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوْحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ». نمودار کفار، این دو تا زنند: «امْرَأَتَ نُوْحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ». نه نمودار برای زن‌ها، نه برای زن و مرد. «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا» (تحریم/۱۰) تا آخر. خدای متعال اینجا هم برای مؤمنان دو تا زن را اسم می‌آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی می‌خواهد برای این‌ها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی می‌کند: یکی همسر فرعون «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم/۱۱) تا آخر - دوم «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا» (تحریم/۱۲) اصلاً چیز عجیبی است؛ بنابراین جنسیت یک امر ثانوی و یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمی‌کند. حتی کارهایشان باهم متفاوت است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۴۵۳>).
 بنابراین از نگاه قرآن، در ارزشمندی میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و دلیل آن نیز اشتراک مرد و زن در ملاک‌های انسان‌شناختی و اخلاقی و نیز در رسیدن به قرب الهی و سعادت اخروی است.

هفت. اشتراک با مردان در برخورداری از امکان کامیابی معنوی و رسیدن به سعادت

قرآن مجید زن و مرد را در وصول به مقامات معنوی در شرایط مشابه، یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره‌ای از تفاوت‌ها در مسئولیت‌های اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر به دست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد؛ بلکه هر دو را از این نظر، به‌طور کامل در یک سطح قرار می‌دهد (احزاب/۳۵).



رهبر معظم انقلاب نیز در توضیح این مؤلفه می‌فرمایند: «در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است. اول، عرصه تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند؛ یعنی مرد می‌تواند به عالی‌ترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی‌بن ابی طالب (علیه السلام) برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه زهرا (علیها السلام) برسد. قرآن کریم وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسان‌های باایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ بلکه از میان زنان ذکر می‌کند، خدای متعال در اینجا، دو زن را به‌عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند؛ یعنی در صحنه انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است: ﴿إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾ (تحریم/ ۱۱). زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، اینجاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حدّ فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیون‌ها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند؛ لذا به‌عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه بنی نوع بشر انتخاب می‌شود. زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. ﴿وَمَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا فَنَنْفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْفَاتِحَاتِ﴾ (تحریم/ ۱۲). مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوءظن آلوده همه مردم شهر و منطقه خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه‌الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامل‌ها خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان‌دهنده آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه انسان‌ها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه انسان‌ها انتخاب کند و به‌عنوان نمونه آن‌ها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را، در این کار، رازهایی است. پس در عرصه اول - یعنی عرصه رشد معنوی و تعالی روحی و نفسانی انسان - میان زن و مرد فرقی نیست، زن مثل مرد، مرد هم مثل زن هر دو می‌توانند مدارج عالی معنویت و قرب به خدا را طی کنند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در سومین نشست اندیشه‌های راهبری، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۴۵۳>).

مفاد این سخنان حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ریشه در آیات قرآنی دارد. خداوند متعال در سوره توبه می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۷۲): «خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!»

به گفته یکی از مفسران قرآن در دهه‌های اخیر، «این آیه شریفه قسمتی از رحمت و اسعه الهی را که شامل حال افراد با ایمان می‌شود و در دو جنبه مادی و معنوی شرح می‌دهد. نخست می‌فرماید: «خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی از بهشت وعده داده است که از زیر درخت‌های آن نهرها جریان دارد» از ویژگی‌های این نعمت بزرگ این است که زوال و فنا و جدایی در آن راه ندارد و آنان جاودانه در آن می‌مانند. دیگر از مواهب الهی به آن‌ها این است که خداوند، مسکن‌های پاکیزه و منزلگاه‌های مرفه در قلب بهشت، در اختیار آن‌ها می‌گذارد (سبحانی، زن و خانواده در قرآن، ۱۳۹۹: ۲۸).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید: «کلمه «عدن» مصدر بوده و به معنای اقامت و استوار است و بنابراین، معنای «جنت‌های ماندنی و از بین نرفتنی خواهد بود. رضوان خدا، حقیقت رستگاری است و حتی در بهشت رضای خدا نباشد، بهشت هم عذاب خواهد بود و معنای جمله (و رضوان من الله اکبر)، به طوری که سیاق آن را افاده می‌کند، این است که خوشنودی خدا از ایشان از همه این حرف‌ها بزرگ‌تر و ارزنده‌تر است و نکرده آورده‌شدن کلمه «رضوان»، برای اشاره به این معناست که معرفت انسان نمی‌تواند آن را و حدود آن را درک کند، در پایان می‌فرماید: «ذلک هو الفوز العظیم» و این جمله دلالت بر معنای حصر دارد و چنین افاده می‌کند که این رضوان، حقیقت هر فوز و رستگاری بزرگی است، حتی رستگاری بزرگی هم که با رسیدن به جنت خلد دست می‌دهد، حقیقتش همان رضوان است؛ زیرا اگر در بهشت، حقیقت رضای خدا نباشد، همان بهشت هم عذاب خواهد بود، نه نعمت» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴۵۶/۹).

نتیجه سخن اینکه: با تأمل در مفاد آیه مذکور، به این نتیجه دست می‌یابیم که زن و مرد، در امکان کامیابی معنوی و رسیدن به سعادت مشترک هستند.



هشت. اشتراک با مردان در تکلیف‌مندی

مفاد روشن جمع بسیاری از آیات شریفه (مائده/۵؛ اعراف/۲۳ - ۱۹؛ نحل/۹۷؛ احزاب: ۷۲ - ۷۳) و تعداد چشمگیری از روایات (عاملی، اعیان الشیعه، ۱۴۰۳: ۱۹/۳۶۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۳: ۸/۳۷۳؛ عروسی حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۱۳/۲)، این است که انسان موجودی مکلف است و چنین خصلتی، محدود به مردان نمی‌شود؛ از این رو یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت‌بخشی به زن از منظر امام خامنه‌ای، اشتراک زن و مرد در تکلیف‌مندی است. معظم له در این باره می‌فرماید: «بنا بر دیدگاه دین مبین اسلام، زن و مرد از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب/۳۵)؛ مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزش‌های الهی و انسانی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. وظایف مشترکی هم هر دو دارند؛ وظیفه امر به معروف مشترک است، وظیفه خدمت مشترک است، وظیفه جهاد فی سبیل الله [برای] هر کدام به نوعی مشترک است، مربوط به مرد یا مربوط به زن ویژه نیست. هر کدام هم وظایف ویژه‌ای دارند؛ زن وظایفی دارد، مرد وظایف ویژه‌ای دارد که خدای متعال به خاطر ادا همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آن‌ها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۷۲۵۴>).

همان‌گونه که در آغاز بحث اشاره شد، در جمعی از آیات قرآنی نیز به این خصلت مشترک بین زن و مرد، توجه داده شده است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا * لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب/۷۳-۷۲)؛ «ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)؛ هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است!»

مفسران در تفسیر امانت مذکور در آیه، اقوال مختلفی دارند: آلوسی می‌گوید: مراد از آن تکلیف است که اطاعت آن باعث می‌شود بنده خدا داخل بهشت شود و مخالفتش باعث می‌شود داخل جهنم شود و

مراد از عرض تکلیف بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها، سنجیدن آن با استعداد آن‌هاست و مراد از امتناع آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها، از حمل تکلیف و اشفاقشان از آن، عبارت است از استعداد نداشتن برای پذیرفتن آن و مراد از حمل انسان آن تکلیف را، این است که وی استعداد آن را داشت و تعبیر عرضه و حمل و امتناع، همه از باب تمثیل است (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۱۴۱۵: ۶۸/۲۲). و طبرسی می‌گوید: مراد از آن، معرفت خدا و لوازم آن است و این وجه از همه وجوه به حق نزدیک‌تر است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۳: ۳۷۳/۸؛ سبحانی، زن و خانواده در قرآن، ۱۳۹۹: ۱۹). به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر پسندیده‌تر و از پشتوانه مناسبی برخوردار است.

نتیجه

تاریخ زندگی بشر، همواره عرصه جدال و گفتمان‌های اشخاص و احزاب در حوزه‌های مختلف بوده است که توجه به هویت حقیقی و جایگاه و حقوق زنان از این قاعده مستثنا نبوده است. از آنچه در بخش آغازین این مقاله بازگو شد، مشخص گردید که در گفتمان دوران جاهلیت و باستان، هیچ هویت و شأن انسانی برای زن مطرح نبوده، زن به مثابه اشیاء مایملک مردان فرض می‌شده است. متأسفانه به‌طور غیرمستقیم، چنین نگاهی در دوره جاهلیت مدرن نیز ادامه دارد.

رهبر معظم انقلاب در خلا آثار گفتاری و نوشتاری خویش، ضمن رد نگاه تحقیرآمیز به زن در دوران جاهلیت و تبیین سوءاستفاده از موقعیت اجتماعی زن در جاهلیت مدرن، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم مبانی نظری و معرفت‌شناسی گفتمان جاهلیت و حال را نقد می‌کند. ویژگی اصلی این بخش از اندیشه‌ای معظم‌له بر این اساس است که هرچند نظام طبیعی زن و مرد در خلقت با یکدیگر متفاوت هستند؛ اما هیچ‌گاه نمی‌توان از این تفاوت‌ها، نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت؛ بلکه باید گفت هر دو دارای هویت انسانی هستند و همین حیثیت می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصت‌های مادی، معنوی و اجتماعی فراهم آورد. امام خامنه‌ای زن را از زوایای پنهان تاریخ و حضور مبهم و کم‌رنگ آن در ناخودآگاه جامعه، به صحنه خودآگاهی و فعال رساند. رویکرد ایشان به مقوله زن، دارای دو بُعد است. ایشان در یک بُعد تبیینی و تفسیری به فراق‌کنی دیدگاه‌های نادرست نسبت به زن پرداخته است و جایگاه زن را در تفکر اصلاحی خویش معین می‌سازد و در بُعد دوم، ساختار اجرایی، تربیتی و تهذیبی مناسب با شخصیت زن را ارائه کرده‌اند. از نگاه معظم‌له، امور متعددی همچون: جایگاه والای انسانی زن، نقش سکونت و آرامش بخشی زن، نفی نگاه تنقیصی به زنان، تفاوت نداشتن زن و مرد در عرصه تقرب به پروردگار، اشتراک با مردان در کسب کمالات معنوی، و عرصه تکلیف‌مداری، بخشی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در هویت بخشی به زن به شمار می‌روند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن، ۱۳۷۳.
۲. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
۳. اخترشهر، علی، زن در اندیشه مقام معظم رهبری، مجله معارف، شماره ۷۶، ۱۳۸۹.
۴. اسدی، مصطفی، نگاهی به اهداف و آثار ازدواج در قرآن، مجله معارف، شماره ۳، ۱۳۸۸.
۵. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، چ ۴، ۱۳۸۲.
۸. جنکینز، ریچارد، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیراز، ۱۳۸۱ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم: اسراء، ۱۳۷۵.
۱۰. حسینی اکبرنژاد، هاله؛ و شوشتری، زهرا، زن در قرآن، تهران: دفتر نشر معارف (پژوهشگاه فرهنگ و معارف)، چ ۲، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۴۱.
۱۲. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، مصر: هیئه المصریه العامه، ۱۹۹۰.
۱۳. سبحانی، زهرا، زن و خانواده در قرآن، قم: انتشارات جامعه الزهرا سلام الله علیها، ۱۳۹۹.
۱۴. سید قطب، محمد، فی ظلال القرآن، بیروت: بی نا، ۱۴۲۵.
۱۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۴۰۴.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، چ ۶، ۱۴۰۶.
۱۷. الطایبی، قلی، هجران هویت قومی در ایران، تهران: شادگان، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۳۷۴.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، قم: موسسه انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲۲. عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳.
۲۳. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ ۴، ۱۴۱۵.
۲۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۷۵.
۲۵. فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم: بوستان کتاب، چ ۳، ۱۳۸۷.
۲۶. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۱، ۱۳۸۳.
۲۷. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹.
۲۸. مبلغ، محمدحسین، «بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان؛ اسلام و فمینیسم»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۸۰.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، چ ۲، ۱۴۰۳.
۳۰. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۹۶.
۳۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱.
۳۲. مکارم‌شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱۰، ۱۳۷۱.
۳۳. مولاقلقاجی، زهرا، بررسی تساوی حقوق زن و مرد از دیدگاه قرآن، قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۹۶.
۳۴. نجفی، موسی، هویت‌شناسی، تهران: آرما، ۱۳۹۹.
۳۵. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل‌البیت لأحیاء التراث، ۱۳۶۷.
۳۶. نیازی، کرشمه، هویت و بحران هویت در دوران نوجوانی، کابل: مرکز روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۹.
۳۷. یونسی، محمد، بررسی تطبیقی تفاوت‌های طبیعی زن و مرد از دیدگاه قرآن و پژوهش‌های علمی، تهران: نورالأمین، ۱۴۰۰.



References

1. *Quran – e – Karim (The Holy Quran)*, Translation: Ayatollah Makarem Shirazi, Qom: Dar al-Quran, 1373 SH (1994 CE).
2. Akhtarshahr, Ali, *Zan dar Andishe-ye Maqam-e Moazzam-e Rahbari (Woman in the Thought of the Supreme Leader)*, Maaref Journal, No. 76, 1389 SH (2010 CE).
3. Alosi, Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani (The Spirit of the Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Repeated Verses)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
4. Amdi, Abdulwahid bin Muhammad, *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalim (The Best of Wisdoms and Pearls of Speech)*, Qom: Office of Islamic Preaching, 1366 SH (1987 CE).
5. Ameer, Hassan, *Farhang Ameer (Ameer's Lexicon)*, Tehran: Amir Kabir Publications, 6th Edition, 1375 SH (1996 CE).
6. Ameli, Seyyed Mohsen, *Ayan al-Shi'a (The Leaders of the Shi'as)*, Beirut: Dar al-Ta'aruf, 1403 AH (1983 CE).
7. Arousi Howeizi, Abdul Ali bin Jumah, *Tafsir Noor al-Thaqalayn (The Exegesis of the Light of the Two Weighty Things)*, Qom: Ismailian Publications, 4th Edition, 1415 AH (1994 CE).
8. Asadi, Mostafa, *Negah-e Be Ahdaf va Asar-e Ezdevaj dar Quran (A Look at the Goals and Effects of Marriage in the Quran)*, Maaref Journal, No. 3, 1388 SH (2009 CE).
9. Ataai, Qoli, *Hejran Howiyyat-e Qaumi dar Iran (The Alienation of National Identity in Iran)*, Tehran: Shadegan, 3rd Edition, 1396 SH (2017 CE).
10. Dehkhoda, Ali Akbar, *Lughatnama Dehkhoda (Dehkhoda's Dictionary)*, Tehran: Management and Planning Organization of the Country, 1341 SH (1962 CE).
11. Fattahi Zadeh, Fathiyeh, *Zan dar Tarikh va Andishe-ye Eslami (Woman in Islamic History and Thought)*, Qom: Bustan-e Ketab, 3rd Edition, 1387 SH (2008 CE).
12. Hosseini Akbarnejad, Hala; Shoushtari, Zahra, *Zan dar Quran (Woman in the Quran)*, Tehran: Office of Ma'aref Publications (Institute for Cultural and Religious Studies), 2nd Edition, 1397 SH (2018 CE).
13. Ibn Sa'ad, Abu Abdullah Muhammad, *Al-Tabaqat al-Kubra (The Great Book of Classes)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1410 AH (1990 CE).
14. Javadi Amoli, Abdullah, *Zan dar Ayine-ye Jalal va Jamal (Woman in the Mirror of Majesty and Beauty)*, Qom: Esra, 1375 SH (1996 CE).
15. Jenkins, Richard, *Hoviyat-e Ejtemai (Social Identity)*, Translated by Touraj Yarahmadi, Tehran: Nashr-e Shiraz, 1381 SH (2002 CE).
16. Kulayni Razi, Abu Ja'far Muhammad bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Qom: Dar al-Hadith, 1429 AH.
17. Majlisi, Mohammad Baqer, *Bihar al-Anwar (Seas of Lights)*, Beirut: Al-Wafa Foundation, 2nd Edition, 1403 AH (1982 CE).
18. Makarem Shirazi, Nasser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Exegesis)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 10th Edition, 1371 SH (1992 CE).
19. Moballegh, Mohammad Hossein, *"Barresi Tatbighi-ye Zan dar Negah-e Jahelliat-e Adyan; Eslam va Feminism" (A Comparative Study of Woman in the Perspectives of Ignorance, Islam, and Feminism)*, Pazhuhesh-haye Quran, No. 27 va 28, 1380 SH (2001 CE).

20. Moein, Mohammad, *Farhang-e Moein (Moein's Dictionary)*, Tehran: Amir Kabir, 1351 SH (1972 CE).
21. Molaqalqachchi, Zahra, *Barresi Tasaavi Hoquq-e Zan va Mard az Didgah-e Quran (A Study of Gender Equality from the Perspective of the Quran)*, Qom: Daneshkade-ye Elmiyat va Marefat-e Eslami, 1396 SH (2017 CE).
22. Motahhari, Morteza, *Nizam-e Hoquq-e Zan dar Islam (The Legal System of Women in Islam)*, Tehran: Sadra, 1396 SH (2017 CE).
23. Najafi, Musa, *Hoviyat Shinasi (Identity Studies)*, Tehran: Arma, 1399 SH (2020 CE).
24. Niyazi, Karshma, *Hoviyat va Bohran-e Hoviyat dar Doran-e Nojavani (Identity and Identity Crisis in Adolescence)*, Kabul: Center for Psychology and Educational Sciences, 1389 SH (2010 CE).
25. Nuri Tabarsi, Mirza Hossein, *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail (Supplement to the Means and Derivation of Issues)*, Qom: Al al-Bayt Institute for Preservation of Heritage, 1367 SH (1988 CE).
26. Payandeh, Abulqasem, *Nahj al-Fasahah (The Path of Elegance)*, Tehran: Donyaye Danesh, 4th Edition, 1382 SH (2003 CE).
27. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Noor (Interpretation of Noor)*, Tehran: Cultural Center for Quranic Studies, 11th Edition, 1383 SH (2004 CE).
28. Rashidreza, Mohammad, *Tafsir al-Manar (The Interpretation of the Al-Manar)*, Egypt: Egyptian General Authority, 1990 CE.
29. Sadeqi Tehrani, Mohammad, *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bi al-Quran wa al-Sunnah (The Criterion in Quranic Interpretation by the Quran and the Sunnah)*, Qom: Farhang-e Islam, 6th Edition, 1406 AH (1985 CE).
30. Sayyid Qutb, Mohammad, *Fi Zhilal al-Quran (In the Shade of the Quran)*, Beirut: Bina, 1425 AH (2004 CE).
31. Sobhani, Zahra, *Zan va Khanvadeh dar Quran (Woman and Family in the Quran)*, Qom: Jame' al-Zahra Publications, 1399 SH (2020 CE).
32. Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman, *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Mathur (The Scattered Pearls in Exegesis through the Transmitted)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, 1st Edition, 1404 AH (1983 CE).
33. Tabari, Muhammad bin Jareer, *Tafsir Jami al-Bayan (The Comprehensive Interpretation)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1420 AH (1999 CE).
34. Tabarsi, Fadl bin Hassan, *Majma al-Bayan (The Collection of Explanations)*, Qom: Institute of Islamic Publications, 2nd Edition, 1413 AH (1992 CE).
35. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Tafsir al-Mizan (The Balance of Interpretation)*, Translated by Mohammad Baqer Moosavi, Qom: Office of Islamic Publications, 5th Edition, 1374 SH (1995 CE).
36. Tusi, Muhammad bin Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
37. Younesi, Mohammad, *"Barresi Tatbighi-ye Tafavot-haye Tabii Zan va Mard az Didgah-e Quran va Pazhuhesh-haye Elmie" (A Comparative Study of Natural Differences between Man and Woman from the Perspective of the Quran and Scientific Research)*, Tehran: Noor al-Amin, 1400 SH (2021 CE).
38. <https://farsi.khamenei.ir>.

